

## «قسمت دوم» انسان و انسان بودن و آزاد بودن

### آزادی انسان و محدودیت طبیعت:

یک حقیقت انکار ناپذیر است که اکثر کشور های غربی و مخصوصاً کانادا و ایالات متحده امریکا در حال حاضر بیشترین پیشرفت های انسانی را دارند. البته به لحاظ فاصله های طبقاتی و افراط گرایی در مصرف؛ بدتر از دیگر مناطق جهان هم هستند؛ چنانچه برآورد شده اگر قرار باشد؛ همه مردم در دنیا به سطح امریکا زندگی نمایند؛ برای نفوس کنونی جهان دو کره زمین و اگر به سطح کانادا زندگی و مصرف نمایند؛ 3 کره زمین دیگر ضرورت مییابد.

به این ترتیب آزادی انسان به حیث یک نوع؛ به امکانات امروز و فردای زمین و طبیعت هم گره میخورد ولی من وارد این بحث کلان شده نمیتوانم که چطور و چه وقت انسانها قادر خواهند شد تعادل خود را با طبیعت از نو و به درستی برقرار مینمایند.

اما نظربه آمار: از 24 جرم یعنی تخلف از حقوق و آزادی های دیگران و اجتماع که در ایالات متحده امریکا صورت میگیرد تنها یک جرم به دادگاه فرستاده میشود چون که در غیر آن زندگی اقتصادی و اجتماعی فلج میگردد. میبینم هنوز هم که هنوز است در این جهان بیداد و ظلم و زور و بردگی پایان نیافته است.

### برده گی در اسلامستان و شیخستان:

فرا تر از آن؛ یکی از روزها ویدیویی را نگاه میکردم که شدت تاثیرش مانند زخم خنجر در ذهنم برجا ماند. این ویدیو نهایت حماقت و جهل انسانها را به نمایش میگذارد. ویدیو مربوط به مسابقه دیرینه شترسواری در امارات متحده عربی است. شما هم مهربانی کرده آنرا ببینید:

[http://www.youtube.com/watch?feature=player\\_detailpage&v=gwQMxLwC0Q4](http://www.youtube.com/watch?feature=player_detailpage&v=gwQMxLwC0Q4)

اگرچی این عمل ضد آزادی و کرامت انسان سال های پیش توسط دولت های غربی ممنوع قرار گرفته بود؛ اما هنوز در جزایر گرم و سوزان عربی انجام میگردد.

طوری که در ویدیوی مستند مشاهده فرمودید شیخان نا انسان عرب و صاحبان زور و زر نو باوه گان یک جامعه را که فرادی آن قرار بود بهتر از امروز باشد به گونه فوق وحشیانه نابود و قربانی هوس های اهرمنی خویش میسازند. کودکان فقیر که به دلیل همچو مسایل از کشورهای بنگله دیش و پاکستان خریداری میگردند.

این کودکان زیر سن 15 سال و حتی 2 - 3 ساله هستند و وزن شان کمتر از 45 کیلوگرام؛ و برای این وزن مشخص این کودکان را حتی روزها از غذا خوردن به واسطه شلاق دور نگه میدارند و اصلاً غیر یک نوع بسکیت دیگر غذا برایشان نمیدهند. و حتی مریبان با آن کودکان بیرحمانه روابط نامشروع برقرار میکنند، و همینطور کارهای شنیع ناگفتنی دیگر بالایشان انجام میگردد.

و در ویدیو دیدید که هنگام شترسواری، خاص در وقت شدت مسابقه کودکان 3 و 4 ساله از شترها افتاده جانهای خویش را از دست میدهند. مسابقه که اصلاً برای قمارهای بزرگ اجرا میشود؛ خیلی بزرگتر از آنچه که در زمان پیغمبر و صدر اسلام میتوانست تصور شود و مانند رجس و عمل شیطان حرام شده است.

این را خوب آموختیم که زمانیکه جهالت انسان به نهایت رسید به چی کارهایی دست میزند. این وحشت و رذالت را یک حیوان حاضر نیست که با هم نوع خویش روا داند. این خودکامگی، بی بند و باری و بیدادگری انسانها خیلی مخوف و مهلک است. همان است که البرت انشتین میفرماید: « در دنیا دو چیز بی نهایت است: کاینات و حماقت انسان، اما من در مورد اول شک دارم. »

آیا انسان افضل موجودات است یا افضل رنجیده گان؟

آیا میتوان به نام آزادی خود؛ صد ها و هزاران انسان را از آزادی و آزادی دور نگهداشت و باز از انسان بودن حرف زد؟

این زندان ها که انسان هایی برای دیگران میسازند و حق و آزادی دیگران را زیر پا میکنند خود شانرا هم گرفتار میسازد و بس. همیشه این را شنیده ایم زندانبان به مراتب زندانی تر از کسی ست که زندانی میشود.

**آزادی و پیوندش با فقر و ثروت:**

این زندان سازی ها و برده سازی ها طوری که اگر کور هم باشیم می بینیم؛ به مسئله فقر و ثروت هم رابطه شدید دارد. شیخ عربی و میلیاردر غربی نه تنها آزادی دیگران را غصب و یا محدود و بی خاصیت میسازند بلکه نعمات و ذخایر طبیعت و محصولات دسترنج مردمان را به اشکال و چل و فن های مختلف؛ چور میکنند. اینجاست که اکثریت

های انسانی فقیر و محتاج و بیچاره میشوند تا جائیکه رسمی و غیر رسمی به برده گی تن دهند و والدین فرزندان دل‌بند خود را هم به 500 دالر و حتی خیلی کمتر می‌فروشند.

شاید چیز هایی که به نام سوسیالیزم و کمونیزم می‌گفتند بسیار بد و رد باشد ولیکن اینگونه که می بینیم بدبختانه عقل و دانایی های بشری تا کنون قادر نشده که مسئله فقر و ثروت را در بین انسانها حل نماید و یا تا جای قابل تحمل خفیف بسازد.

برای اینکه آن جزء گوهرین انسان که عقل است بتواند طوری همگانی شود که همه این مسایل بنیادی راه حل پیدا نماید نیاز به زمان دراز است و یک مانع آشکار برای کوتاه شدن این زمان؛ تکیه زور مندان به قدرت و ثروت و اسلحه و حکومت و دیکتاتوری نرم یا خشن میباشد.

اینکه در (بخش اول) گفتم 60 فیصد مردم دنیا هنوز چیزی به مصداق عقل ندارند ، مشکل فطرت شان نیست . این نظام های اقتصادی ظالمانه و فرهنگ های آزادی کش و انسانیت سوز بیشتر باعث عدم رشد عقلی کودکان و حتی بی عقل و دیوانه بار آمدن آنها میگردد. خمیرمایه عقل در همه اولاده بشر یعنی در گوهر آنها هست که نیاز به استفاده و رشد دارد که وضعیت عادلانه اقتصادی و فرهنگی می‌خواهد تا مورد بهره برداری قرارگیرد .

لذا نمی توان دست زیر الاشه نشست تا در یک زمانی همه چیز رو به راه شود و ذهن و عقل انسان به کمال رسد که آزادی، امنیت و عدالت بوجود آید.

فکر میکنم پیروزی و اوج پیشرفت انسانها محتاج دو چیز است ؛ یک کشف حقیقت محیط زندگانی و درون خود انسان و دوم نابودی این فرهنگ های کهنه و فرسوده آزادیکش که عدالت اقتصادی و برابری انسانی را نفی و نابود و ناممکن میکنند.

این آزادی های بی بند و بار که عدالت و امنیت برای همه به همراه ندارد انسانها و نسل های زیادی را به کام نابودی کشانیده و هیچ بعید نیست که مانند دیناسور ها نوع بشر و همه زمین را هم امروز یا فردا تباه کند.

### **مسئله تکمیل یا کمال انسان:**

حالا یک رخ دیگر مسئله که خیلی هم مهم است رخ تکمیل و تکامل انسان.

نتیجه گیری که علم درمورد انسان نموده است درست از هر 100 انسان و یا هر 100 سلول انسانی که 9 ماه قبل از تولد تشکیل و به دنیا می‌آید، در پایان عمر تنها 1 یا 2 درصد آنها به مرحله کمال یا تکمیل خود میرسند. در تمامی اینها نیروی استعداد

وامکانات فطری رشد نمیکند. و این هم دو علت دارد. اول: بد بودن نظام خانواده که در آن میباید کودک از رشد درست و سالم برخوردار باشد. دوم: نظام اجتماعی که با اقتصاد و فرهنگش در بالا اشاره کردم.

حیوانات این دو نظام را ندارند و از خیر و شرش هردو در امان هستند. اما خیر و شر این دو نظام برای انسانها فوق العاده شدید مؤثر است.

متأسفانه کودکان در اکثریت خانواده ها و جامعه های قبیلوی و عشیروی و کمرشد در سنین که خیلی مهم است از 0 تا 18 سالگی آسیب های روحی و جسمی می بینند. این آسیب ها به حدی است که نظر به مطالعات علمی: 98 درصد انسان ها در طول تاریخ در میسر رشد باقی مانده و نتوانسته اند پیشرفت نمایند. این 2 درصد انسانها هستند که توانسته اند چنانکه طبیعت معین کرده به کمال برسند و همه یا زیادتیر استعداد های خود به کار اندازند.

وضع اکثریتی به آن بزرگی تکمیل نشده یا به کمال خود نرسیده به نوبه خود موجب وقوع فاجعه های بزرگ شده که تاریخ انسان از آنها پر است. بدی دولت ها، فساد تمدن ها، قدر قدرتی های نمرودی و فرعونی، قتل و قتال به بهانه عقیده و راه خدا، تجاوزگری های گوناگون به نام دین و شریعت و برای بهشت و دوزخ و جادو و خدعه و نیرنگ و فریب و شیطننت از یکطرف از نارسایی و ناتکمیلی انسانها مایه گرفته و از سوی دیگر باز خود موجب ناقص و نارس و ناکامل بار آمدن اکثریت ها گردیده است و میگردد.

خیلی مدت کوتاهی است که چون و چرای رشد عقلانی و فکری انسان ها کشف گردیده و آثار بیماری های که میلیون ها انسان را تا امروز از اصل انسانیت دور نگهداشته و میدارد شناخته شده است. تا همین قرون اخیر در سراسر جهان تعلیم و تربیت و پرورش کودکان صرف در انحصار اولاده پادشاهان و نجبا بود. این خیانت و جنایت علیه انسان و حرمت و حیثیت وی آنقدر بزرگ و با وسعت است که درین مختصر بیان نمیشود.

آن چه که در یک قرن اخیر جزء ارزش ها و اصول اخلاقی و حقوقی و اجتماعی محاسبه گردید برابری حیثت و حرمت همه انسانها میباشد؛ در همین سلسله بردگی و غلام و کنیز ساختن انسان رسماً مردود گردید. این چیزها که جامعه عمل بپوشد انسان را به آن مقام والا و مقدس میرساند که شائسته آن آفریده شده است.

خوشبختانه 62 سال قبل در اعلامیه جهانی حقوق بشر خیلی از این موارد تسجیل شده قانون جهانشمول گردید. در اولین ماده آن آمده است: (تمام افراد بشر آزاد زاده می شود

واز لحاظ حیثت و کرامت و حقوق باهم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار نمایند).

مگر باید جامعه های بشری حتی الامکان یکسان به مرحله رشد اقتصادی و اصلاح و غنای فرهنگی و آگاهی برسد تا سطح دانایی همه مردم بالا برود و همین دانایی آنهاست که توانایی شانرا ببار میآورد. و آنجاست که هر حکم قانونی و قرار دادی ضمانت اجرایی را به همراه میآورد. و آزادی من و آزادی مخالف من معنا و مصداق پیدا میکنند.

**بهشت آنجاست کازاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد**

آرزومندم عرایض این کوچکتان قبول و مقبول تان شده باشد. اگر انتقاد داشته باشید  
مهربانی کرده برایم نوشته و ارسال بفرمائید. ایمیل من این است:

elahaftkhar@gmail.com

با احترام . الهه افتخار